

درک تجربه زیسته ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی از پاندمی کوید-۱۹: رویکردی پدیدارشناسانه

رسول نوروزی سیدحسینی^۱

استادیار مدیریت ورزشی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۴

چکیده

اپیدمی‌ها تغییرات رفتاری و اجتماعی زیادی را در تمامی عرصه‌ها به وجود می‌آورند، ورزش نیز از این قاعده مستثنا نیست. این پژوهش با هدف درک تجربه زیسته ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی از پاندمی کوید-۱۹ انجام شد که از طریق روش پژوهش کیفی و با استفاده از استراتژی پدیدارشناسی انجام شد. با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند ۱۹ ورزشکار حرفه‌ای ایرانی به‌عنوان مشارکت‌کننده انتخاب شدند و از طریق مصاحبه‌های عمیق و بدون ساختار داده‌ها جمع‌آوری شدند. با استفاده از رویکرد هفت مرحله‌ای دیکلمن و همکاران (۱۹۸۹) داده‌ها تجزیه و تحلیل شدند. براساس تجزیه و تحلیل انجام‌شده، پنج دسته معانی برای تجربه زیسته ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی از پاندمی کوید-۱۹ شناسایی شد که عبارت‌اند از: الف- درهم‌ریختگی خلیات و عادات شخصی، ب- تغییر سبک زندگی، ج- بازنگری شیوه طی کردن مسیر شغلی، د- فرصت‌یابی برای کنشگری و ه- بازتعریف کارکرد اجتماعی و اقتصادی. این معانی تجربه‌شده در زیست جهان‌های ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی در فضای پاندمی کوید-۱۹، برساخت‌هایی از کنش اجتماعی‌شان هستند که در صورت تحلیل صحیح، مدنظر قراردادن و به‌کارگیری آن‌ها می‌توان شاهد مدیریت بهتری در ورزش حرفه‌ای کشور در وضعیت وجود اپیدمی‌ها بود.

واژگان کلیدی: اپیدمی، تجربه زیسته، کارکرد اجتماعی، کرونا، ورزشکاران حرفه‌ای.

مقدمه

پاندمی بیماری کروناویروس^۱ ۲۰۱۹- از هشتم دسامبر سال ۲۰۱۹ به سرعت در چین گسترش یافت. شیوع ناگهانی کرونا از چین به تمامی کشورهای دنیا شوکی برای جامعه جهانی و به ویژه سیاست‌گذاران بهداشت در سراسر جهان بوده است (سعادت، باقری لنکرانی و باقری لنکرانی، ۲۰۲۰، ۴). ترس از قرارگرفتن در معرض این بیماری به رفتارهای خاص و گاهی غیرمنطقی در جامعه منجر شده است؛ از این رو، می‌توان اذعان داشت که شیوع خاص و سریع ویروس کرونا نشان می‌دهد که چگونه یک موضوع بیولوژیک و اپیدمیولوژیک می‌تواند به موضوعی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تبدیل شود (زابلی و سنایی‌نسب، ۲۰۱۴، ۶). یکی از مهم‌ترین عواقب شیوع و همه‌گیری ویروس‌ها، ایجاد نگرانی و اضطراب اجتماعی در سرتاسر جهان است. این امر نگرانی‌هایی جدی برای شهروندان در همه کشورهای حتی در جوامع بدون شیوع ویروس کرونا ایجاد کرده است (سعادت و همکاران، ۲۰۲۰، ۴). باید خاطرنشان کرد که این نگرانی در محیط‌های ورزشی به خوبی مشهود است؛ زیرا، در روزهای آغازین شیوع بیماری کوید-۱۹ بیشتر فعالیت‌های ورزشی به حالت تعلیق درآمد و زمان ازسرگیری آن‌ها در هاله‌ای از ابهام است. به اعتقاد اپیدمیولوژیست‌ها، اصلی‌ترین محیط‌های مستعد برای انتقال و اپیدمی‌شدن ویروس‌ها محیط‌هایی هستند که تعاملات بدنی در آن‌ها زیاد است (بولتز، بیجین، ریچاردوس و ووتن^۲، ۲۰۱۵، ۲۱۰). این خصیصه یکی از ویژگی‌های مهم محیط‌های ورزشی است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد محیط‌های ورزشی و ورزشکاران جزو اصلی‌ترین افراد مستعد برای انتقال ویروس‌ها و درگیری با آن‌ها هستند.

از آنجاکه تمایل افکار عمومی جهان به کسب اخبار و اطلاعات مربوط به رویدادهای ورزشی و انعکاس گسترده وقایع ورزشی از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی جهانی زیاد است (نقوی، حسینی، رضانی‌نژاد و کشر، ۲۰۱۷، ۲۲)، باید خاطرنشان کرد که طیف وسیعی از ورزشکاران و ورزش‌دوستان با پاندمی کوید-۱۹ روبه‌رو شده‌اند و آن را به نحوی تجربه کرده‌اند؛ از همین رو، می‌توان این ادعا را مطرح کرد که با فراگیری کوید-۱۹ ورزشکاران با تغییراتی در رفتارها و سبک زندگی‌شان روبه‌رو شده‌اند. گواه این ادعا این است که نحوه‌ای که افراد یک اپیدمی را تجربه می‌کنند، شیوه پاسخ‌دهی به آن را مشخص می‌کند؛ به عبارت دیگر، تغییرات رفتاری در پاسخ به تهدیدات مربوط به سلامتی توسط خود فرد ارزیابی و سازمان‌دهی می‌شود (جونز و سالات^۳، ۲۰۰۹، ۴)؛ به‌عنوان مثال، شیوه تغییرات رفتاری پس از اپیدمی آنفولانزای خوکی^۴ به شکل خاصی ایجاد شد

-
1. COVID-19
 2. Bults, Beaujean, Richardus & Voeten
 3. Jones & Salathe
 4. H1N1

تا تهدیدات مربوط به سلامتی افراد کاهش یابد (فانک، گیلید، واتکینز، جانسن^۱، ۲۰۰۹، ۶۷۳). یکی از پاسخ‌های رفتاری که در رابطه با تحلیل خطر ادراک‌شده ناشی از اپیدمی‌های آنفولانزای خوکی و سارس رخ داد، کاهش فعالیت‌های ورزشی، دست‌دادن، روبوسی و تماس‌های بدنی بود (هندکوک و جونز^۲، ۲۰۰۴، ۴۱۵)؛ براین اساس، مشاهده می‌شود که واکنش‌های رفتاری و تغییرات اجتماعی مختلفی در طول پاندمی روی می‌دهد (یونگ، لائو، چوی و گریفیث^۳، ۲۰۱۷، ۸۱۳).

یکی از واکنش‌های رفتاری ترس ناشی از اخبار (به‌ویژه شایعه‌های منتشرشده) درباره نحوه انتقال بیماری است. نپرداختن به فعالیت‌های ورزشی و خودداری از تماس بدنی، استفاده نکردن از وسایل حمل‌ونقل عمومی و تشدید نظافت شخصی از مهم‌ترین تغییرات رفتاری در طول پاندمی است. همچنین قرنطینه کردن شخصی و انزوای اجتماعی یکی دیگر از واکنش‌های اجتماعی به اپیدمی هاست (بولتز و همکاران، ۲۰۱۵، ۲۱۰). در اپیدمی‌های ویروسی به‌ویژه آنفولانزا، ورزش و فعالیت‌های بدنی عرصه‌ای مطلوب برای انتقال ویروس فراهم می‌کنند. در واقع، این ورزشکاران هستند که به‌واسطه فعالیت‌های جمعی ناقل ویروس می‌شوند و موجب تشدید شیوع آن در جامعه می‌شوند (کلینهنانس^۴ و همکاران، ۲۰۱۹، ۳۳)؛ از این رو، می‌توان این‌گونه برداشت کرد که ورزشکاران جزو کسانی هستند که اپیدمی‌ها بر آن‌ها تأثیر می‌گذارند و سطوح فعالیت آن‌ها را کاهش می‌دهند (گلیسون^۵، ۲۰۰۷، ۶۹۵)؛ حال آنکه اگر ورزش به‌عنوان یک حرفه در نظر گرفته شود، آن‌ها امکان پرداختن به فعالیت‌های خود را از دست می‌دهند و تجربه‌ای خاص از اپیدمی را خواهند داشت. در کنار این امر باید خاطر نشان کرد که شیوع اپیدمی‌ها می‌تواند اثرهای اجتماعی و روانی فراوانی بر ورزشکاران حرفه‌ای داشته باشد؛ زیرا، اپیدمی‌ها جزو رویدادهای تأثیرگذار بر فعالیت‌های اجتماعی و شخصی‌اند. همان‌گونه که کسلر^۶ و همکاران (۱۹۹۴، ۱۱) بیان می‌کنند، اپیدمی‌ها می‌توانند بر ویژگی‌های روان‌شناختی نظیر افسردگی و اضطراب به‌شدت تأثیر بگذارند و مناسبات اجتماعی را تغییر دهند. شیوع آنفولانزای خوکی وضعیت عاطفی و اجتماعی کشورهای درگیر را به‌شدت تغییر داد و برخی از افراد به انزوای خودخواسته یا رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی تمایل پیدا کردند (جونز و سالات، ۲۰۰۹، ۴).

شیوع آنفولانزای اسپانیایی در سال ۱۹۱۸ یکی از وقایع ناگوار اپیدمی بیماری بود که به مرگ میلیون‌ها نفر در جهان منجر شد. این واقعه بسیار شدید بود، اما میزان اضطراب عمومی آن کمتر از

-
1. Funk, Gilad, Watkins & Jansen
 2. Handcock & Jones
 3. Yeung, Lau, Choi & Griffiths
 4. Kleynhans
 5. Gleeson
 6. Kessler

جنگ جهانی اول بود. هام^۱ دلیل این امر را فراموشی برای تسکین دردهای ناشی از اپیدمی‌ها می‌داند. به عقیده او، از لحاظ روانی این تمایل به فراموشی و بازگشت به حالت اولیه برای کنار گذاشتن ترس و هراس فراگیری بیماری‌هاست (هام، ۲۰۰۰، ۹۰۵). تام، پانگ، لام و چیو^۲ (۲۰۰۴) در پژوهشی نشان دادند که افراد جامعه و سیاست‌گذاران اجتماعی در دوره همه‌گیری بیماری سارس به شدت از لحاظ روان‌شناختی و اجتماعی تحت فشار قرار گرفتند. یونگ و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهش خود در زمینه واکنش‌های رفتاری و اجتماعی در طول پاندمی به این نتیجه رسیدند که افراد در طول پاندمی دچار تغییرات رفتاری و اجتماعی می‌شوند و در این میان ورزشکاران سعی می‌کنند تمرین‌های ورزشی و جمعی خود را متوقف کنند. همچنین آن‌ها بیان کردند که ورزشکاران معمولاً دچار اضطراب و هراس ابتلا به بیماری می‌شوند و این امر آن‌ها را به تشدید رعایت بهداشت سوق می‌دهد.

کایو وین، سایتو، وین، لاشمن و همکاران^۳ (۲۰۲۰) بیان کردند که نخستین واکنش به اپیدمی آنفولانزای خوکی در میانمار توسط وزارت ورزش و بهداشت انجام شد که طی این اپیدمی تمامی فعالیت‌های ورزشی متوقف شد و به ورزشکاران توصیه‌های گوناگونی در مورد کاهش فعالیت‌های جمعی شد. کلینهناس و همکاران (۲۰۱۹) در گزارش خود به این نتیجه رسیدند که یکی از مستعدترین مکان‌های انتقال آنفولانزا و اپیدمی‌هایی از این قبیل، زنگ ورزش و فعالیت‌های جمعی ورزشی است؛ از این رو، آن‌ها پیشنهاد کردند که برای کاهش شیوع اپیدمی‌ها فعالیت‌های ورزشی مدارس تعطیل شود و تا حد ممکن فعالیت‌های بدنی در جامعه کاهش یابد. ولاسکو^۴ (۲۰۱۹) در پژوهش خود ذکر کرد که در برخی از دوره‌های زمانی ورزش و فعالیت‌های بدنی تحت تأثیر اپیدمی‌ها قرار گرفته است. به گفته وی، در آنفولانزای اسپانیایی سال ۱۹۱۸ بسیاری از فعالیت‌های ورزشی در کشورهای لاتین‌زبان تحت تأثیر قرار گرفتند و میزان مشارکت در آن‌ها بسیار کاهش یافت. باکسر^۵ و همکاران (۲۰۱۴) بیان کردند که با شیوع و همه‌گیری بیماری‌ها اختلالات روانی نیز افزایش می‌یابد؛ به عبارت دیگر، بین اپیدمی‌ها و اضطراب و افسردگی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. هندکوک و جونز (۲۰۰۴) ذکر کردند که یکی از پاسخ‌های رفتاری به شیوع اپیدمی‌ها کاهش فعالیت‌های بدنی و ورزشی و ترس از پرداختن به آن‌ها به صورت جمعی است. به باور استارسوویچ، پورتمن، بیک^۶ (۲۰۱۲)، اضطراب فراگیر یکی از مهم‌ترین واکنش‌های روانی به اپیدمی‌هاست. ریشتر

-
1. Hume
 2. Tam, Pang, Lam & Chiu
 3. Kyaw Win, Saito, Win & Lasham
 4. Velasco
 5. Baxter, Scott & Ferrari
 6. Starcevic, Portma & Beck

و برگر^۱ (۲۰۱۳) بیان کردند که دوره‌هایی که وقایع ناگوار متعددی نظیر اپیدمی شدن بیماری‌ها روی می‌دهد، اختلالات روانی نظیر هراس، اضطراب و افسردگی افزایش معنادار می‌یابد. کسلر، چائو، دملر و والتر^۲ (۲۰۰۵) در پژوهشی مطرح کردند که در یک بازه زمانی ۱۲ ماه از شیوع وقایع ناگوار و اپیدمی ویروس‌ها، میزان اختلالات افسردگی و اضطراب به حد بسیار زیاد افزایش یافت. ونگ، ژائو و تام^۳ (۲۰۰۷) پژوهشی درباره اضطراب ناشی از اپیدمی سارس در دانشجویان هنک‌کنگی انجام دادند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که میزان استرس و اضطراب ابتدا به ویروس سارس در بین دانشجویانی که در دانشگاه آن‌ها امکانات بهداشتی و بیمارستانی وجود داشت، نسبت به دانشجویانی که دانشگاه آن‌ها فاقد این امکانات بود، بسیار کمتر بود. به عقیده پاتسوراکو^۴ (۲۰۱۲)، وقایعی نظیر کاهش فرصت مشارکت ورزشی در پی همه‌گیری بیماری‌ها و مسائل مربوط به برگزاری مسابقات می‌تواند به کناره‌گیری ورزشکاران حرفه‌ای منجر شود. هسو، فان و چن^۵ (۲۰۱۸) بیان کردند که ویدئوهای ورزشی منتشرشده از سوی ورزشکاران حرفه‌ای و نظرهای کاربران در شبکه‌های اجتماعی در وضعیت خاص نظیر وقوع زلزله، شیوع آنفولانزا و بلایای طبیعی می‌تواند نشانگر نوعی مسئولیت اجتماعی ورزشکاران باشد. علاوه‌براین، آن‌ها ذکر کردند که ورزشکاران حرفه‌ای در وضعیت اپیدمی زمان بیشتری را در شبکه‌های اجتماعی می‌گذرانند و از این طریق با دنبال‌کنندگان خود ارتباط برقرار می‌کنند.

مباحث مطرح‌شده نشان می‌دهد که اپیدمی‌ها می‌توانند تغییرات اجتماعی-رفتاری متفاوتی را ایجاد کنند که ناشی از شیوه تجربه‌کردن آن‌ها توسط افراد است؛ از این‌رو، برای صورت‌بندی مسئله پژوهش باید خاطر نشان کرد که با توجه به ویژگی‌های فرهنگی ورزش حرفه‌ای نظیر الگوسازی، ملی‌گرایی، جامعه‌پذیری، همبستگی ملی، فرهنگ بهداشت، اخلاق، تقویت رفتارهای اخلاقی، احترام به پیش‌کسوت و ... (نقوی و همکاران، ۲۰۱۷، ۲۰) و همچنین اهمیت ورزشکاران حرفه‌ای به‌عنوان مهم‌ترین عنصر کسب‌وکارها در حوزه ورزش (ال-ایتانگ^۶، ۲۰۰۶، ۳۸۶) می‌توان این احتمال را مطرح کرد که ورزشکاران حرفه‌ای هنگام وقوع وقایع عظیم و تأثیرگذار جهانی نظیر شیوع اپیدمی‌ها آن‌ها را به‌گونه‌ای خاص تجربه می‌کنند. درواقع، از آنجاکه ورزش حرفه‌ای تحت‌تأثیر شبکه‌ای از ارتباطات اجتماعی است که حاصل یادگیری اجتماعی، مراودات تجاری، تشویق و ترغیب دوستان، مربیان و ... است (فروغی و صابونچی، ۲۰۱۱، ۸۷)، انتظار می‌رود که ورزشکاران

-
1. Richter & Berger
 2. Kessler, Chiu, Demler & Walters
 3. Wong, Gao & Tam
 4. Patsourakou
 5. Hsu, Fan & Chen
 6. L'Etang

حرفه‌ای پدیده‌هایی را که این مناسبات و ارتباطات اجتماعی را به هم بزند، به‌گونه‌ای متفاوت از دیگران تجربه کنند. پدیده‌ای نظیر پاندمی کوید-۱۹ به میزان بسیار زیادی مناسبات مربوط به ورزش را تغییر داده است و اصلی‌ترین اثرگذاری آن بر محیط‌های ورزشی، توقف اجرای فعالیت‌های ورزشی جمعی و فردی و بسته‌شدن باشگاه‌های ورزشی در سطح جهانی بوده است. این اتفاقات بر فعالیت‌های ورزشکاران حرفه‌ای اثرگذار است؛ زیرا، پرداختن به ورزش و بازی کردن برای تیم‌ها و باشگاه‌های ورزشی کار و حرفه ورزشکاران حرفه‌ای محسوب می‌شود؛ بنابراین، فهم و شناخت این تغییرات و معنابخشی تجربه ورزشکاران حرفه‌ای از یک پاندمی نظیر کوید-۱۹ می‌تواند اطلاعات مفیدی را برای شرایط این‌چنینی فراهم کند و راهگشای سیاست‌گذاران ورزش حرفه‌ای برای مقابله با شرایط خاص دنیای بی‌ثبات، غیرقطعی، پیچیده و مبهم امروزی شود؛ بنابراین، آنچه در این پژوهش دنبال می‌شود پاسخ‌دادن به این سؤال است که درک تجربه زیسته ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی از پاندمی کوید-۱۹ و ساختاربندی پدیدارشناسانه معنایی آن‌ها به تجربه شیوع کوید-۱۹ چگونه است؟

روش پژوهش

این پژوهش با روش کیفی و از طریق راهبرد پدیدارشناسی انجام شد. ارزش پدیدارشناسی برای پژوهشگران آن است که برای آن‌ها چارچوبی نظری و تفسیری از تجربه‌های زیسته مشارکت‌کنندگان در پژوهش ارائه می‌کند. براساس همین رویکرد، در این مطالعه، پژوهشگر به دنبال تفسیر و فهم تجربه زیسته ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی از پاندمی کوید-۱۹ بود. جامعه مطالعه‌شده در این پژوهش، شامل تمام ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی بود. منظور از ورزشکاران حرفه‌ای افرادی بودند که ورزش برای آن‌ها به‌مثابه شغل تلقی می‌شد و قراردادهایی را با باشگاه‌های ورزشی بسته بودند. در این پژوهش داشتن قرارداد با باشگاه‌های ورزشی (لیگ‌های برتر و دسته یک) به‌عنوان معیار ورود به مطالعه محسوب شد. با روش نمونه‌گیری نظری و هدفمند (پاتون^۱، ۱۹۹۰، ۶۹) ورزشکاران حرفه‌ای به‌عنوان مشارکت‌کنندگان در پژوهش انتخاب شدند و حجم مشارکت‌کنندگان در حین انجام‌دادن مصاحبه‌ها و بر مبنای قاعده اشباع نظرها معین شد. گفتنی است تا آنجاکه ممکن بود، نمونه‌ها متفاوت با یکدیگر انتخاب شدند؛ زیرا، هدف این پژوهش به‌دست آوردن دامنه‌ای از نظرهای ورزشکاران حرفه‌ای درباره تجربه زیسته‌شان از پاندمی کوید-۱۹ و تفسیر آن بود (نیس وادومی^۲، ۱۹۹۸، ۱۱۴).

1. Patton

2. Nieswiadomy

به منظور جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه‌های عمیق بدون ساختار^۱ استفاده شد. در پژوهش حاضر پژوهشگر با ۱۹ نفر از ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی مصاحبه کرده است (برخی از آن‌ها حضوری و برخی تلفنی بود). مدت زمان هر مصاحبه بین ۳۰ تا ۵۰ دقیقه بود. در این مصاحبه‌ها هدف پژوهشگر نفوذ به لایه‌های عمیق ذهن مصاحبه‌شونده و کسب اطلاعات حقیقی بود. در ابتدای مصاحبه چند پرسش کلی باز پرسیده شد که عبارت بود از چه چیزی درباره پاندمی کوید-۱۹ تجربه کرده‌اید؟ چه اموری از زندگی شما از تجربه‌تان از پاندمی کوید-۱۹ تأثیر پذیرفتند. در حین مصاحبه سعی شد سایر پرسش‌ها در جریان مصاحبه شکل بگیرد؛ به طوری که اهداف پژوهش را پوشش دهد. پس از پایان هر مصاحبه، پژوهشگر با خلاصه‌سازی آنچه درباره آن تجربه شنیده بود و ارائه آن به شرکت‌کننده، تأیید نهایی را از محتوای ادراک شده از مصاحبه به دست آورد (انجام‌شدن چرخه هرمنوتیکی^۲ به منظور اجرای پدیدارشناسی تفسیری). در مجموع ۱۹ مصاحبه با ورزشکاران حرفه‌ای انجام شد که ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آن‌ها به شرح جدول شماره یک است.

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

متغیر	دسته	تعداد
سن	بین ۱۸ تا ۲۳	۷
	بین ۲۴ تا ۲۹	۹
	بین ۳۰ تا ۳۵	۲
	بیشتر از ۳۶ سال	۱
رشته ورزشی	فوتبال	۵
	هندبال	۲
	والیبال	۴
	بسکتبال	۳
	کاراته	۱
	دوومیدانی	۱
	فوتسال	۲
کشتی	۱	

1. Unstructured Interview
2. Hermeneutic Cycle

ادامه جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

متغیر	دسته	تعداد
تحصیلات	دیپلم و کمتر	۵
	کارشناسی	۱۰
	کارشناسی‌ارشد	۳
	دکتری	۱
جنسیت	زن	۶
	مرد	۱۳
جمع کل		۱۹

شایان ذکر است که پیش از اجرای مصاحبه‌ها، پژوهشگر مصاحبه‌ای برای به‌تعلیق‌درآوردن پیش‌فرض‌هایش انجام داد؛ بدین‌صورت که با یکی از متخصصان در حوزه پژوهش، یک مصاحبه برای مشخص‌کردن پیش‌فرض‌هایش و به‌تعلیق‌درآوردن آنها انجام داد. این متخصص پیش‌فرض‌های احتمالی پژوهشگر را مشخص کرد و پس از تعیین این پیش‌فرض‌ها، آن‌ها به حالت تعلیق درآمدند و در روند مصاحبه لحاظ نشدند؛ نظیر این پیش‌فرض که کوید-۱۹ روابط خانوادگی و اجتماعی را با مشکل روبه‌رو می‌کند. این کار یکی از پیش‌نیازهای اساسی اجرای مصاحبه‌های پدیدارشناسی است تا از این طریق پژوهشگر پیش‌فرض‌های خود را در تفسیر تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان در پژوهش اعمال نکند (دانایی‌فرد و کاظمی، ۲۰۱۰، ۲۱). از آنجاکه رویکرد پدیدارشناسی در این پژوهش به شکل تفسیری بود، به‌منظور تفسیر و تجزیه‌وتحلیل داده‌های به‌دست‌آمده در این بخش از رویکرد دیکلمن، آلن، و ترنر^۱ (۱۹۸۹) استفاده شد. در این رویکرد بر این موضوع تأکید می‌شود که جست‌وجو برای جوهره پدیده و معنای آن در درون یک زمینه تعریف‌شده فقط یک تکنیک یا مجموعه‌ای از مراحل مکانیکی نیست؛ بلکه آشکارکردن معانی است که نیاز به تعلیق، شهود، تفسیر و تفکر را دنبال می‌کند. به‌منظور تجزیه‌وتحلیل داده‌ها فرایند هفت مرحله‌ای زیر انجام شد:

۱. تمامی مصاحبه‌ها برای دریافت ایده کلی (معنای تجربه زیسته) رونویسی و خوانده شد.
۲. خلاصه‌های تفسیری نوشته شد و جست‌جوهای برای موضوعات بالقوه انجام شد.
۳. نوار پیاده‌شده از مصاحبه‌ها به‌مثابه یک کار گروهی برای یک موضوع تفسیری بررسی شد.
۴. به متن و همچنین مشارکت‌کنندگان در پژوهش برای روشن‌کردن مضامین فرعی و اصلی دوباره مراجعه شد.

1. Diekelman, Allen & Tanner

۵. متون برای تعیین معانی رایج و اعمال مشترک مقایسه مستمر شدند.
۶. الگوهای مرتبط با موضوعات تعیین شدند.
۷. از گروه مفسران و سایر همکاران برای پیشنهادها در طرح نهایی استفاده شد (هالوی و ویلر^۱، ۲۰۰۲).

به بیان ساده، پس از اجرای مصاحبه، سخنان ضبط شده توسط آزمونگر به متن نوشتاری تبدیل شد و جملات و عبارات و نقل قول‌هایی که به درک تجربه افراد از پدیده دلالت می‌کردند، مشخص شدند. در مرحله بعد، پژوهشگر از عبارات مهم برای دسته‌بندی معانی و مفاهیمی استفاده کرد که به دستیابی به مضامین فرعی منجر می‌شد. این مضامین فرعی نیز برای نوشتن آنچه شرکت‌کنندگان تجربه کرده‌اند، در پوشش مضامین اصلی استفاده شد. به منظور تأمین موثق بودن^۲ اطلاعات به دست آمده به شرکت‌کنندگان مراجعه شد و از انطباق نظر آنان با تفسیرهای صورت گرفته اطمینان حاصل شد. همچنین برای اطمینان از درستی یا نادرستی یافته‌های حاصل از مصاحبه، از نظرهای متخصصان (روش‌شناسی و محتوایی) و مشارکت‌کنندگان استفاده شد و نظرهای آنان در تحلیل نهایی لحاظ شد و در نهایت آن‌ها از این طریق نتایج کلی پژوهش را تأیید کردند؛ به عبارت دیگر، متخصصان روش‌شناسی پدیدارشناسی ساختار گزارش پژوهشی و تحلیل داده‌های پدیدارشناسانه را تأیید کردند. همچنین مضامین کشف شده مربوط به ورزش حرفه‌ای با ارجاع به متخصصان این حوزه تأیید شد. در واقع، کلیت تحلیل داده و درستی ساختار بندی موضوعی پدیده از سوی متخصصان روش‌شناسی پدیدارشناسی (دارای کتاب و مقاله درباره روش‌شناسی پدیدارشناسی) و متخصصان حوزه ورزش حرفه‌ای (دارای مقاله و کتاب در زمینه ورزش حرفه‌ای) تأیید شد و شرکت‌کنندگان محتوای مضامین کشف شده را با ارائه توضیحات توسط پژوهشگر تأیید کردند.

در آخرین مرحله از فرایند پژوهش، بر مشارکت‌کنندگان تمرکز شد. در این مرحله پژوهشگر برای مشارکت‌کنندگان این فرصت را فراهم کرد که ساختار موضوعی^۳ توصیف‌کننده تجربه‌شان را بازبینی و بررسی کنند و بازخوردهایی برای انجام دادن اقدامات اصلاحی و کامل کردن ساختارها ارائه کنند. این مرحله در تأمین روایی^۴ پژوهش نقشی مهم دارد (دنزین و لینکلن^۵، ۲۰۱۸، ۷۹۲). هرگونه پیشنهاد ارائه شده از سوی مشارکت‌کنندگان برای اضافه کردن یا حذف کردن چیزی از ساختار

1. Holloway & Wheeler
2. Trustworthiness
3. Thematic Structure
4. Validity
5. Denzin & Lincoln

موضوعی مدنظر قرار گرفت و تغییرات در درون ساختار موضوعی اعمال شدند. موضوع قابلیت اتکای داده‌ها نیز مدنظر قرار گرفت. روش‌های گوناگونی وجود دارد که پژوهشگران پدیدارشناسی می‌توانند برای کسب پایایی داده‌هایشان از آن‌ها استفاده کنند. یافته‌های به‌دست‌آمده از پژوهش پدیدارشناسانه در صورتی پایایی دارند که اگر یک خواننده همان دیدگاهی را که پژوهشگر به کار گرفته شده است اتخاذ کند، بتواند همان چیزی را که پژوهشگر دیده است ببیند، خواه وی موافق یا خواه مخالف آن باشد؛ بنابراین، این مسئولیت پژوهشگر بود که تا حد امکان اطلاعات زیادی را درباره روش اجرای کار و یافته‌های اصلی برای خواننده فراهم کند تا خواننده دیدگاه وی را به خوبی درک کند. این اطلاعات شامل توصیف مشروح ساختار موضوعی به همراه گزیده‌ای از اظهارات مصاحبه مشارکت‌کنندگان است که از موضوعات مشخص حمایت می‌کند (ادواردز و اسکینر، ۲۰۰۹، ۳۸۶). یکی از شیوه‌های ارائه‌شده برای افزایش باورپذیری، شیوه ممیزی بیرونی است (دنزین و لینکلن، ۲۰۱۸، ۷۹۳) برای محقق‌شدن این امر از سه نفر از افرادی که هیچ رابطه‌ای با پژوهش نداشتند، اما متخصص این حوزه به‌لحاظ روش‌شناختی و محتوایی بودند، درباره درستی جنبه‌های مختلف پژوهش (از گردآوری تا تحلیل داده‌ها) نظرخواهی شد. از طریق تأیید آن‌ها بر رویه‌ها و شیوه‌های گردآوری و تفسیر داده‌ها، ممیزی بیرونی پژوهش نیز بررسی شد. پس از لحاظ کردن مسائل مرتبط با موثق‌بودن اجرای پژوهش، گزارش نهایی تدوین شد. به‌طور کلی، گزارش پژوهش به‌گونه‌ای تنظیم شد که خواننده احساس کند درک بهتری از آنچه یک فرد می‌تواند تجربه کرده باشد، به‌دست آورده است.

به‌منظور رعایت ملاحظات اخلاقی برای شرکت‌کنندگان در مطالعه، هدف پژوهش، رویه‌های پژوهش، خطرهای و فواید پژوهش و داوطلبانه‌بودن شرکت در پژوهش بیان شد (عبادی، ۲۰۱۰، ۲۰۱۱)؛ به‌عبارت‌دیگر، پس از دادن اطلاعات کافی درباره پژوهش از مشارکت‌کنندگان برای مصاحبه رضایت شفاهی و کتبی گرفته شد. علاوه‌براین، به مشارکت‌کنندگان در پژوهش اطمینان داده شد که اطلاعات به‌دست‌آمده از آن‌ها محرمانه خواهد ماند و نتایج پژوهش بدون ذکر نام آن‌ها منتشر خواهد شد. به‌منظور رعایت این موضوع، حین پیاده‌سازی نوارها همه اسامی به کد تغییر داده شد و طی تحلیل داده‌ها و بیان نتایج نیز صرفاً با همان کدها به آن‌ها اشاره شد. درنهایت، با دادن شماره تماس و آدرس به مشارکت‌کنندگان در پژوهش، امکان برقراری ارتباط دوطرفه در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر و نیز ارائه نسخه‌ای از مقاله حاصل از پژوهش در صورت تمایل مشارکت‌کنندگان فراهم شد.

نتایج

براساس رویه‌های مطرح شده در قسمت روش‌شناسی و طبقه‌بندی داده‌ها، مفاهیم و مضامین فرعی و اصلی به شرح جدول شماره دو است.

جدول ۲- مفاهیم، مضامین فرعی و اصلی استخراج شده

ردیف	مفاهیم	مضامین فرعی	مضامین اصلی
۱	فوبیای کرونا، شست‌وشوی مداوم دست‌ها، ترس از دست‌زدن به صورت، هراس، مضطرب شدن	هراس و اضطراب فراگیر	درهم‌ریختگی خلقیات و عادات شخصی
۲	ترس ازدست‌دادن شرایط رقابتی، کاهش تمرکز بر تمرین، ترس ازدست‌دادن آمادگی بدنی، نبود شرایط تمرین مناسب	ترس فزاینده از کاهش آمادگی	
۳	بی‌برنامه‌بودن، تغییر مستمر شرایط تمرینی، ابهام در زمان بازگشت به تمرین، تعطیلی باشگاه‌ها و مراکز تمرین، نداشتن حس جدی ورزش کردن	کلافگی و گیرافتادن در شرایط مبهم	
۴	عصبی شدن مکرر، ناپایداری در شرایط روانی، افسردگی ناشی از بی‌تمرینی، بدخلقی ناشی از ماندن طولانی در خانه	نوسانات خلقی	
۵	خواب بی‌کیفیت، تغییر ساعات خواب، بیدارماندن در شب‌ها، پرخوری، بدخوری، رعایت نکردن رژیم	بی‌خوابی و تغییر عادات غذایی	
۶	شست‌وشوی مکرر، نظافت بیش از اندازه، استفاده زیاد از ضدعفونی‌کننده‌ها، ترس از باقی‌ماندن ویروس در سطوح و لباس‌ها	وسواس نظافت	
۷	مجبورشدن به حبس کردن خود در خانه، عادت‌نداشتن به حضور مداوم در خانه، کلافه‌شدن به‌خاطر الزام به قرنطینه، تغییر سبک زندگی ورزشکاری	تجربه نوع زندگی جدید در قرنطینه	تغییر سبک زندگی
۸	داشتن وقت زیاد برای سپری کردن با خانواده، فرصت مطلوب برای تعمیق روابط با اعضای خانواده، کشف ویژگی‌های ناشناخته اعضای خانواده، تجربه محبت و صمیمیت ناشی از حضور در محیط خانه	فرصت برقراری ارتباطات خانوادگی عمیق‌تر	
۹	ندانستن زمان ازسرگیری فعالیت‌های ورزشی، بلاتکلیفی باشگاه‌های تحت قرارداد، مشخص نبودن زمان مسابقات، نداشتن تقویم دقیق و قابل‌انکا برای برگزاری رویدادهای ورزشی	سرگشتگی و ابهام در برنامه‌های زندگی	

ادامه جدول ۲- مفاهیم، مضامین فرعی و اصلی استخراج شده

ردیف	مفاهیم	مضامین فرعی	مضامین اصلی
۱۰	به اقتضای شرایط قرارداد بستن، توجه بیشتر به فید کردن بند فورس ماژور در قراردادها، در نظر گرفتن تسهیلات حمایتی در قراردادها، الزام به توجه به جایگاه و اقدامات حرفه‌ای باشگاه در قراردادها	تجدیدنظر در قراردادهای ورزشی	بازنگری شیوه طی کردن مسابقات
		پذیرش ناپایداری امور، برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت و تعاملی داشتن، در نظر گرفتن اقتضانات اقتصادی در شرایط اپیدمی	
۱۲	کشف استعدادهای نهفته، طراحی تمرین‌های فردی، اجرای تمرین‌ها با حداقل امکانات، اجرای تمرین‌ها در ساعات نامتعارف، کشف خلاقانه روش‌های تمرین و حفظ آمادگی جسمانی	ظهور خلاقیت و ابداع تمرینات خانگی	فرصت‌یابی برای کسبگری
۱۳	پذیرفتن افت بدنی، پذیرفتن شرایط تمرینی به‌واسطه همه‌گیر بودن آن، آمادگی بدنی را به‌دست اطلاعات ثانویه سپردن	کنار آمدن با موضوع ازدست‌دادن شرایط ایده‌آل آمادگی	
۱۴	به‌دست‌آوردن زمان بیشتر برای کسب سهمیه به‌خاطر تعویق آن، کسب فرصت برای حذف ضعفها، ارتقای قابلیت‌های بدنی، تحلیل رقبای احتمالی در المپیک	ایجاد فرصت برای کسب سهمیه مسابقات المپیک	
۱۵	ملزم کردن خود به مطالعه، خواندن کتاب‌های موردعلاقه، معرفی کردن کتاب‌های خوب به هواداران، بهره‌گیری از مطالب عملی در روند ورزش حرفه‌ای، به‌دست‌آوردن اطلاعات برای پیشگیری از اشتباه در عملکرد ورزشی	دانش‌افزایی و مطالعه منظم	
۱۶	پخش نشدن مسابقات ورزشی، کم‌توجهی رسانه‌ها به ورزشکاران حرفه‌ای، کاهش فرصت در معرض دید قرار گرفتن، به حاشیه رانده شدن اخبار مربوط به ورزش حرفه‌ای، کم‌شدن اخبار مربوط به ورزشکاران	از دست‌دادن فرصت نمایش رسانه‌ای و انزوای اجتماعی	
۱۷	صرف زمان زیاد در فضای مجازی، ارتقای کیفیت صفحه اجتماعی، برقراری دیدارهای زنده با هواداران در شبکه اجتماعی، کشف قابلیت‌های جدید شبکه‌های اجتماعی	برقراری ارتباطات مجازی	بازتعریف کارکرد اجتماعی و اقتصادی

ادامه جدول ۲- مفاهیم، مضامین فرعی و اصلی استخراج شده

ردیف	مفاهیم	مضامین فرعی	مضامین اصلی
۱۸	از دست دادن ارزش مالی دوران ورزشی به خاطر گذر زمان و افزایش سن، افت اقتصاد جهانی، کاهش ارزش و سهام امور اقتصادی، همه گیر بودن ضربات اقتصادی، نامشخص بودن زمان پایان پاندمی، طولانی بودن بازگشت به شرایط گذشته، تحت تأثیر قرار گرفتن جنبه های اجتماعی، شخصیتی و اقتصادی، تکرار و نوسانات اثرگذاری پاندمی بر ورزش حرفه ای	طولانی و چندبعدی بودن اثرهای پاندمی بر ورزشکاران	بازتعریف کارکرد اجتماعی و اقتصادی
۱۹	افزایش فعالیت های مجازی و پیدا کردن هواداران جدید، افزایش تعداد فالورها در شبکه های اجتماعی، آشنایی با شخصیت ها و زوایای پنهان هواداران، تعامل رودرروی مجازی با هواداران، فهم نظرهای هواداران از عملکرد ورزشی ورزشکاران	پیدا کردن هواداران جدید در فضای مجازی	بازتعریف کارکرد اجتماعی و اقتصادی
۲۰	انجام دادن کارهای خیریه، تشکیل دادن پوشش های کمک به آسیب دیدگان، تعهد به پاسخ گویی و داشتن مسئولیت در قبال هواداران، استفاده از برند شخصی برای جلب توجه خیرین، رسانه ای کردن زوایای پنهان آسیب های اجتماعی-اقتصادی پاندمی	تعهد و الزام به مسئولیت اجتماعی	

با تحلیل داده ها پنج مضمون اصلی از تجربه زیسته ورزشکاران حرفه ای ایرانی از پاندمی کوید-۱۹ به دست آمد که شرح تفسیری آن ها عبارت است از:

الف- درهم ریختگی خلیات و عادات شخصی: یکی از مضامین اصلی استخراج شده که به طور مکرر در مصاحبه ها به آن اشاره شده است، تغییرات در خلیات ورزشکاران حرفه ای و برهم خوردن عادات شخصی آن ها بود. یکی از مضامین فرعی مهم و پرتکرار این مضمون اصلی، هراس و اضطراب فراگیری بود که ورزشکاران حرفه ای بیان کردند. در واقع، ترس ناشی از ابتلا به این بیماری و کنترل شدید بهداشت به همراه اضطراب برخاسته از پوشش های وسیع رسانه ای درباره بیماری کوید-۱۹ در حالات روانی ورزشکاران تغییراتی را ایجاد کرده است؛ به طوری که شرکت کننده شماره چهار بیان کرد: «این روزها همیشه خبرهای بد رو از تلویزیون می شنوم. اخبار اطرافیان هم می گن فلانی مبتلا شده و شرایطش خوب نیست! همه این ها باعث می شه مضطرب بشم که نکنه منم مبتلا بشم». در کنار این مضمون فرعی، ترس از کاهش آمادگی نیز مشاهده شد. در واقع، این توقف در فعالیت های ورزشی و بسته شدن باشگاه ها برای ورزشکاران حرفه ای این ترس را به وجود آورده است که توانایی

و آمادگی خود را از دست می‌دهند. شرکت‌کننده شماره دو بیان کرد: «همش می‌ترسم که آیا می‌تونم دوباره همون رکوردهای قبلی رو بزوم؟! بدنم افت کرده و شرایط مناسب برای تمرین کردنم وجود نداره». کلافگی و گیرافتادن در شرایط مبهم و نوسانات خلقی از دیگر مضامین فرعی برای درهم‌ریختگی خلقیات و عادات شخصی ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی بودند. شرکت‌کننده شماره ۱۸ بیان کرد: «بعضی ساعت‌های روز عصبی می‌شم؛ چون نمی‌تونم برم بیرون و تمرین کنم! فکر می‌کنم افسرده شدم. اصلاً معلوم نیست کی دوباره اوضاع درست می‌شه!». بی‌خوابی و تغییر عادات غذایی یکی دیگر از مضامین پرتکرار در مصاحبه‌های شرکت‌کنندگان بود. شرکت‌کننده شماره یک بیان کرد: «تا نصفه شب بیدارم ... اصلاً خوابم نمی‌بره... دم صبح خوابیدن برام یه عادت شده!». همچنین شرکت‌کننده شماره نه بیان کرد: «دیگه مراعات رژیم غذایی رو نمی‌کنم ... تو ماه گذشته سه کیلو اضافه‌وزن داشتم». وسواس نظافت نیز از دیگر مضامین فرعی این مضمون درهم‌ریختگی خلقیات و عادات شخصی بود. این مضمون نیز یکی از پرتکرارترین مضامین در مصاحبه‌ها بود. شرکت‌کننده شماره ۱۱ درباره این مضمون بیان کرد: «این قدر که دستم رو شستم پوستش رفته!». به هر چی دست می‌زنم، سریع دستمو می‌شورم؛ فکر کنم وسواس گرفتم!». شرکت‌کننده شماره یک بیان کرد: «یه بسته ۱۲ تایی از ژل‌های ضدعفونی‌کننده تهیه کردم. همیشه یه ژل ضدعفونی‌کننده همراهم. فکر می‌کنم دارم خیلی زیاد از اینا استفاده می‌کنم!». به‌نظر می‌رسد این ویژگی‌ها جزو تجربیات شخصی و خلقی از زیست جهان ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی باشند؛ به‌عبارت‌دیگر، می‌توان این مضامین را در قالب تجربه شخصیتی-خلق‌ی ورزشکاران از شرایط پاندمی کوید-۱۹ تفسیر کرد؛ ب- تغییر سبک زندگی: یکی دیگر از مضامین اصلی استخراج‌شده، تغییر سبک زندگی و بازنگری در نحوه ادامه مسیر شغلی ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی بود. در این مضمون، تجربه نوع زندگی جدید در قالب قرنطینه وجود داشت. درواقع، ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی بیان کردند که مجبورند خود را در خانه محبوس کنند. این نوع از زندگی شیوه‌ای است که ورزشکاران حرفه‌ای عموماً به آن عادت ندارند. شرکت‌کننده شماره پنج درباره این مضمون بیان کرد: «اصلاً فکر نمی‌کردم که موندن تو خونه این‌قدر سخت و طولانی باشه، اصلاً زمان نمی‌گذره!». زندگی کردن در قرنطینه به‌همراه سردرگمی از بازگشایی باشگاه‌ها و مراکز تمرینی باعث شده است ورزشکاران حرفه‌ای بلامتکلیف باشند و طی کردن زمان برایشان سخت‌تر جلوه کند؛ به‌عنوان‌مثال، شرکت‌کننده شماره ۱۸ بیان کرد: «اصلاً نمی‌دونم بدنم رو برای چی باید آماده نگه دارم. معلوم نیست کی مسابقات برگزار می‌شه؟ خودم هم بلامتکلیف شدم». می‌توان این مضامین را جزو تجربیات زیسته ورزشکاران حرفه‌ای از تغییرات رفتاری و سبک زندگی قلمداد کرد که می‌تواند تغییراتی را در نحوه طی کردن شیوه زندگی‌شان در شرایط خاص به وجود آورد؛

ج- بازنگری در شیوه طی کردن مسیر شغلی^۱: یکی دیگر از مضامین اصلی استخراج شده، بازنگری در نحوه ادامه مسیر شغلی ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی بود. از مضامین فرعی بازنگری در شیوه طی کردن مسیر شغلی ورزشکاران حرفه‌ای، تجدیدنظر در قراردادهای و یادگیری برنامه‌ریزی اقتضایی است. در واقع، ورزشکاران شرایط جدیدی را تجربه کرده‌اند که به آن‌ها سیگنالی را می‌فرستد که نمی‌توانند برای طولانی مدت مسیر شغلی خود را بیمایند؛ از این رو، به نکاتی که در قراردادهایشان وجود دارد نظیر فورس ماژو و شرایط پیش‌بینی نشده این چنینی اهمیت بیشتری می‌دهند. در این باره شرکت‌کننده شماره ۱۱ بیان کرد: «حتماً آگه قرارداد جدید بندهم، تمامی شرایط پیش‌بینی نشده رو با وکیل چک می‌کنم». همچنین شرکت‌کننده شماره ۱۵ گفت: «تازه فهمیدم نمیشه برای آینده دور برنامه ریخت؛ چراکه همه چی ناپایداره و باید هوشمند باشم که از شرایط پیش رو به بهترین وجه استفاده کنم». به نظر می‌رسد این ویژگی‌ها جزو کنش‌های شخصی و تجارب کاری ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی از پاندمی کوید-۱۹ باشند؛ به عبارت دیگر، می‌توان این مضامین را جزو تجربیات زیسته ورزشکاران حرفه‌ای از تغییرات رفتاری و سبک زندگی قلمداد کرد که می‌تواند تغییراتی را در نحوه طی کردن مسیر شغلی‌شان به وجود آورد؛

د- فرصت‌یابی برای کنشگری: یکی دیگر از مضامین اصلی استخراج شده، پذیرش شرایط و تلاش برای بهره‌گیری از شرایط موجود توسط ورزشکاران حرفه‌ای است. در واقع، ورزشکاران حرفه‌ای تمایل دارند که در شرایط موجود به عنوان عنصری کنشگر در سطوح مختلف عمل کنند. این امر باعث شده است که برخی از خلاقیت‌های آن‌ها به منصف ظهور برسد و خود تمریناتی را در محیط‌های قرنطینه‌شان طراحی کنند تا از این طریق با موضوع ازدست‌دادن شرایط ایدئال بدنی‌شان کنار بیایند. درباره این مضمون شرکت‌کننده شماره ۱۳ بیان کرد: «یک سری تمرینات رو با کش و ابزارهای ساده تو خونه طراحی کردم که بتونم آمادگی بدنی‌ام رو حفظ کنم». برخی از ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی که در سطوح قهرمانی نیز فعالیت می‌کنند، شرایط به وجود آمده را به عنوان فرصتی برای به دست آوردن سهمیه برای رقابت‌های المپیک می‌دیدند. در واقع، با تعویق مسابقات المپیک تابستانی ۲۰۲۰ توکیو به سال ۲۰۲۱ فرصتی برای ورزشکاران فراهم آمد تا بتوانند در صورت کسب نکردن سهمیه، در مسابقات سهمیه‌ای شرکت کنند و فرصت شرکت در بازی‌های تابستانی المپیک را به دست آورند. از دیگر مضامین استخراج شده، افزایش مطالعه ورزشکاران حرفه در دوران پاندمی کوید-۱۹ و گذران وقت بیشتر با اعضای خانواده‌شان بود. در واقع، این قرنطینه و فاصله‌گذاری اجتماعی باعث شد که ورزشکاران بیشتر در کنار اعضای خانواده خود باشند و از فرصت‌های موجود برای مطالعه و دانش‌افزایی در زمینه حرفه‌ای‌شان استفاده کنند. شرکت‌کننده

شماره ۱۱ بیان کرد: «در این فرصتی که در قرنطینه به سر می‌برم، تونستم چهار کتابی رو مطالعه کنم که مدت‌ها پیش می‌خواستم بخونمشون». همچنین شرکت‌کننده شماره ۲ گفت: «این کرونا برام یک نعمت بود؛ چون خیلی وقت بود که یه دل سیر خانوادهم رو ندیده بودم. الآن وقت زیادی دارم که با بچه‌ام بازی کنم». این ویژگی‌ها جزو تجارب زیسته ورزشکاران حرفه‌ای از شرایط پاندمی کوید-۱۹ به‌عنوان فرصت‌یابی برای کنشگری فعال و بازسازی ویژگی‌های فردی و تعاملاتی تفسیر می‌شوند؛

ه- بازتعریف کارکرد اجتماعی و اقتصادی: یکی دیگر از مضامین اصلی استخراج‌شده، تلاش ورزشکاران حرفه‌ای برای تغییر نگاه به نقش‌ها و کارکردهای اجتماعی‌شان به‌واسطه تغییرات صورت‌گرفته در سطوح ارتباطی و اقتصادی بود. درواقع، ورزشکاران حرفه‌ای با این امر روبه‌رو شده‌اند که فرصت‌های نمایش رسانه‌ای برای آن‌ها کاهش یافته است؛ زیرا، مسابقات ورزشی برگزار نمی‌شود و بیشتر خبرهای رسانه‌ای درباره پاندمی کوید-۱۹ است؛ از این‌رو، آن‌ها سعی کرده‌اند که مجاری ارتباطی دیگری نظیر حضور بیشتر در فضای ارتباطاتی مجازی را به‌دست آورند. در این باره شرکت‌کننده شماره ۱۴ بیان کرد: «از زمانی که مسابقات تعلیق شد، سعی کردم از طریق اینستاگرام با هوادارام ارتباط برقرار کنم». در کنار این مضامین، اثرهای اقتصادی فراگیر و طولانی‌مدت پاندمی باعث شده است که ورزشکاران سعی کنند شرایط را به‌گونه‌ای کنترل کنند که تا حد ممکن از اثرهای منفی آن در امان بمانند؛ البته آن‌ها بر این نکته تأکید کردند که این پایداری شرایط و استمرار شرایط خاص بیماری کوید-۱۹ و موج‌های آینده آن می‌تواند تغییراتی اساسی در ارزش اقتصادی‌شان ایجاد کند. در این باره شرکت‌کننده شماره یک بیان کرد: «من نهایتاً تا دو سال دیگه می‌تونم تو اوج عملکرد ورزشی باشم. اگه این شرایط ادامه پیدا کنه مطمئناً من این دو سال پیش رو برای کسب درآمد رو از دست می‌دم!». علاوه‌براین، شرایط خاص کشور و نحوه ارتباطات، ورزشکاران حرفه‌ای را به بهره‌گیری بیشتر از فضای مجازی سوق داده است. آن‌ها دامنه فعالیت‌هایشان را افزایش داده‌اند و سعی کرده‌اند ساعات بیشتری را با هواداران خود به‌صورت زنده در شبکه‌های اجتماعی طی کنند. این جو به‌وجودآمده و پی‌بردن به اهمیت و نقش‌شان در جامعه آن‌ها را نیز به اجرای مسئولیت‌هایشان در قبال جامعه سوق داده است و آن‌ها از این طریق پویای مردمی را به‌وجود می‌آورند و کمک‌های مردمی و خیریه‌ها را در بین اقشار آسیب‌دیده توزیع می‌کنند. همچنین آن‌ها به‌واسطه داشتن چهره‌ای رسانه‌ای سعی می‌کنند تأثیرات بیشتری بر بهبود وضعیت کنونی جامعه داشته باشند. درواقع، آن‌ها با رسانه‌ای کردن زوایای پنهان آسیب‌های اجتماعی-اقتصادی پاندمی کوید-۱۹، در ایفای مسئولیت‌های اجتماعی‌شان سعی می‌کنند. در این باره شرکت‌کننده شماره شش بیان کرد: «مردم از ما ورزشکاران انتظار دارند تو این شرایط

سخت پیش اونا بمونیم، بهشون کمک کنیم و دستشون رو بگیریم». شرکت کننده شماره دو گفت: «اگه ما یه ذره آبرو داریم، از همین مردم داریم که ما رو تو مسابقات دعا کردن. الآن نوبت جبرانه». این ویژگی‌ها جزو تجارب زیسته ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی از کوید-۱۹ به‌عنوان تعریف مجدد کارکردهای ورزشکاران حرفه‌ای برای جامعه و خلق مجاری جدید برای برقراری ارتباطات تفسیر می‌شوند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف درک تجربه زیسته ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی از پاندمی کوید-۱۹ از منظر پدیدارشناسی انجام گرفت و نخستین پژوهش انجام شده در این حوزه است؛ بنابراین، نتایج آن می‌تواند حاوی نکات و تفسیرهای کلیدی برای عرصه مدیریت ورزش حرفه‌ای باشد. باید خاطرنشان کرد که در این مطالعه، پژوهشگر به دنبال مدل‌سازی یا تشریح روابط بین اجزای شرایط موجود ورزشکاران حرفه‌ای از پاندمی کوید-۱۹ نبود؛ بلکه هدف، تفسیر تجربه زیسته ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی از پاندمی کوید-۱۹ بود. در واقع، مدل‌های ریاضی و مفهومی برای تشریح، پیش‌بینی و مقابله با پدیده‌هایی نظیر اپیدمی شدن بیماری‌ها مفیدند؛ با این حال، واکنش‌های رفتاری و نحوه تجربه افراد در این مدل‌ها معمولاً نادیده گرفته می‌شود؛ از این رو، پژوهش‌هایی نظیر این مطالعه به دنبال محقق کردن این امر هستند.

نتایج پژوهش نشان داد که پنج مضمون اصلی در تجربه زیسته ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی از پاندمی کوید-۱۹ وجود دارد که عبارت‌اند از: الف- درهم‌ریختگی خلیات و عادات شخصی، ب- تغییر سبک زندگی، ج- بازنگری در شیوه طی کردن مسیر شغلی، د- فرصت‌یابی برای کنشگری و ه- بازتعریف کارکرد اجتماعی و اقتصادی.

براساس یافته‌ها، درهم‌ریختگی خلیات و عادات شخصی یکی از ویژگی‌های تجربه شخصی ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی است که از زیست جهان کوید-۱۹ حاصل شده است. در واقع، این تجربه نوعی تغییرات رفتاری خاص برای این گروه است که در پی تغییر شرایط زندگی و حرفه‌ای حاصل شده است. این تغییرات رفتاری که ماهیت روان‌شناختی دارند، شامل وسواس نظافت، هراس و اضطراب فراگیر، ترس فزاینده از کاهش آمادگی، کلافگی و گیرافتادن در شرایط مبهم، نوسانات خلقی، بی‌خوابی و تغییر عادات غذایی هستند. این ویژگی‌های تجربه زیسته مربوط به تغییرات رفتاری در پژوهش‌های تام و همکاران (۲۰۰۴)، هندکوک و جونز (۲۰۰۴)، استارسوویچ و همکاران (۲۰۱۲)، ریشر و برگر (۲۰۱۳)، باکسر و همکاران (۲۰۱۴)، یونگ و همکاران (۲۰۱۷) و ولاسکو (۲۰۱۹) نیز اشاره شده است. در تشریح این ویژگی باید به این امر توجه کرد که ورزشکاران

حرفه‌ای با طیف وسیعی از اخبار ناگوار درباره پاندمی کوید-۱۹ روبه‌رو هستند. تغییر شرایط کاری و ابهام برای ازسرگیری امور باعث ایجاد شدن تغییر نوسانات خلقی شده است و به بی‌خوابی و تغییرات عادات غذایی منجر شده است که حالت عادی عملکردی ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی از روال خارج شده است و برایشان درهم‌ریختگی خلقیات و عادات شخصی را به‌بار آورده است. درواقع، این طیف از ورزشکاران به‌واسطه ماهیت ورزششان باید نظم مشخصی را برای خود تعریف کنند که بتواند عملکرد مطلوب آن‌ها را حفظ کند، اما وجود شرایطی که این نظم را بر هم بزند، می‌تواند تجربه روان‌شناختی نامطلوبی را برای آن‌ها به‌همراه آورد؛ ازاین‌رو، به‌نظر می‌رسد ورزشکاران حرفه‌ای باید در برنامه‌های آماده‌سازی‌شان به احتمال و وقوع شرایطی ناپایدار و مبهم توجهی ویژه داشته باشند. از دیگر مضامین اصلی استخراج‌شده، تغییر سبک زندگی و همچنین بازنگری در شیوه طی کردن مسیر شغلی ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی بود. این تجربیات جزو کنش‌های شخصی و الزامات کاری ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی از پاندمی کوید-۱۹ است که شامل تجربه نوع زندگی جدید در قرنطینه، سرگشتگی و ابهام در برنامه‌های آینده ورزشی، تجدیدنظر در قراردادهای ورزشی و یادگیری و کاربرد برنامه‌ریزی اقتضایی است. در تشریح و تفسیر این تجربه زیسته باید خاطر نشان کرد که یکی از اصلی‌ترین تغییراتی که پاندمی کوید-۱۹ در ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی ایجاد کرده است، تغییر سبک زندگی آن‌ها و واداشتن ورزشکاران حرفه‌ای برای تفکر بیشتر درباره مسیر شغلی‌شان (به‌عنوان یک ورزشکار حرفه‌ای) بوده است. آن‌ها در پی این اتفاق دریافته‌اند که نمی‌توانند به آینده خوش‌بین باشند و برنامه‌های طولانی‌مدت را برای خود در نظر بگیرند؛ بلکه باید به اقتضای شرایط و هوشمندی‌شان طرح‌هایی را برای مسیر شغلی خود ارائه کنند که دستیابی به اهداف را برایشان میسر کند. علاوه‌براین، شرایط زندگی در قرنطینه و دست‌کشیدن از فعالیت‌های جاری می‌تواند سبک زندگی ورزشکاران حرفه‌ای را تغییر دهد که این خود به تغییرات بیشتری در سایر اجزای زندگی اجتماعی و فردی‌شان منجر شود. در این‌باره یونگ و همکاران (۲۰۱۷) به این نکته اشاره می‌کنند که تغییرات اجتماعی و تغییر در سبک زندگی می‌تواند در پی بروز اپیدمی‌ها به‌عنوان یک عامل پیش‌بینی‌شدنی در نظر گرفته شود؛ زیرا، تغییراتی نظیر رعایت فاصله اجتماعی، قرنطینه‌کردن و کاهش تماس با دیگران خود به تغییر در روابط افراد منجر می‌شود و می‌تواند فشارهای روانی را بر آن‌ها وارد کند. به‌نظر می‌رسد پاندمی کوید-۱۹ استرس زیادی را بر ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی وارد کرده است که ناشی از تغییر سبک زندگی‌شان است. از آنجاکه تحلیل درست هرگونه واکنش فیزیولوژیک، سوماتیک، روانی و ذهنی یا سایر سازوکارهای دفاعی در افراد به شناخت دقیق محرک‌های استرس‌زا وابسته است (رمضانی‌نژاد، کافی، جهانی‌راد و ریحانی، ۲۰۱۷، ۱۳۰)، باید به ورزشکاران درباره شرایط موجود آگاهی کافی داد. شاید بتوان متصور بود که این وظیفه رسانه‌های

همگانی است که اطلاعات دقیق و به‌هنگام را در اختیار ورزشکاران حرفه‌ای قرار دهند تا از این طریق میزان فشارهای روانی آن‌ها در چنین شرایطی کاهش یابد.

از دیگر مضامین اصلی استخراج‌شده، فرصت‌یابی برای کنشگری ورزشکاران حرفه‌ای است. این مضمون شامل ظهور خلاقیت و ابداع تمرینات خانگی، کنارآمدن با موضوع ازدست‌دادن شرایط ایده‌آل آمادگی، ایجاد فرصت برای کسب سهمیه مسابقات المپیک، دانش‌افزایی و مطالعه منظم، و فرصت برقراری ارتباطات خانوادگی عمیق‌تر است. در تفسیر این مضمون باید خاطر نشان کرد که ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی سعی می‌کنند در شرایط پاندمی کوید-۱۹ امید خود را از دست ندهند و وضعیت موجود را بپذیرند و درعین‌حال از وضعیت موجود بهره‌برداری کنند و تا حد ممکن از فرصت‌های نهفته در آن استفاده کنند. در واقع، برای ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی شرایط پاندمی کوید-۱۹ به‌عنوان فرصتی برای کنشگری فعال و بازسازی ویژگی‌های فردی و شخصیتی تلقی می‌شود؛ به‌عبارت‌دیگر، این موضوع که مشارکت ورزشی در اپیدمی‌ها کاهش می‌یابد (ولاسکو، ۲۰۱۹، ۵۸)، به معنی حذف فرصت‌ها برای بازسازی فردی یا کنشگری فعال از سوی ورزشکاران نیست؛ بلکه وضعیت‌های این‌چنینی می‌توانند فرصت‌های جدیدی را پیش روی ورزشکاران حرفه‌ای قرار دهند تا به بهبود و توسعه فردی خود اقدام کنند. در واقع، پخش شدن ویدئوهای متعدد از ورزشکاران در سراسر دنیا که در خانه‌های خود مشغول انجام‌دادن تمرینات ابداعی‌شان هستند یا پویس‌هایی که آن‌ها برای ارتقای مشارکت ورزشی و فعالیت بدنی افراد به راه می‌اندازند، مؤید این امر است که ورزشکاران حرفه‌ای سعی می‌کنند وضعیت موجود را بپذیرند و از فرصت‌های موجود در آن بهره‌گیرند.

آخرین مضمون استخراج‌شده، بازتعریف کارکرد اجتماعی و اقتصادی از سوی ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی بود. این مضمون شامل ازدست‌دادن فرصت نمایش رسانه‌ای و انزوای اجتماعی، برقراری ارتباطات مجازی، طولانی و چندبعدی بودن اثرهای پاندمی بر ورزشکاران، پیدا کردن هواداران جدید در فضای مجازی و درنهایت تعهد و الزام به مسئولیت اجتماعی است. در تشریح این تجربه زیسته می‌توان بیان کرد که ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی با مواجه شدن با پاندمی کوید-۱۹ درک کرده‌اند که در جامعه کارکردهای اجتماعی دیگری را می‌توانند ایفا کنند. آن‌ها به‌واسطه فرصت کاهش‌یافته نمایش رسانه‌ای تاحدی دچار انزوای اجتماعی شده‌اند؛ زیرا، این شرایط با وضعیت جاری در ورزش حرفه‌ای در تضاد است. در واقع، در ورزش حرفه‌ای رسانه‌های متعدد و اخبار زیادی درباره ورزشکاران و مسابقات وجود دارد. این فرصت کاهش‌یافته باعث شده است که سایر مجاری ارتباطی تقویت شود؛ به‌عبارت‌دیگر، افزایش فعالیت در شبکه‌های اجتماعی مجازی و یافتن هواداران جدید در فضاهای مجازی یک گزینه جایگزین برای ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی برای جبران فرصت

کاهش یافته نمایش رسانه‌ای است. آن‌ها در وضعیت پاندمی کوید-۱۹ انزوای اجتماعی‌شان را به واسطه ارتباطات مجازی در شبکه‌های اجتماعی جبران کرده‌اند؛ زیرا، به این نکته رسیده‌اند که ممکن است شرایط پاندمی کوید-۱۹ برای طولانی مدت بر عملکرد ارتباطی-اقتصادی‌شان تأثیر بگذارد؛ بنابراین، آن‌ها این تغییر رفتاری را در خود ایجاد کرده‌اند. این یافته در راستای یافته‌های پژوهش لانگان و سمیتون است. آن‌ها بیان می‌کنند که یکی دیگر از تغییرات رفتاری در زمان اپیدمی‌ها بهره‌گیری مضاعف از شبکه‌های مجازی به‌ویژه تویتر است (لانگان و سمیتون، ۲۰۱۱، ۵۴۲)؛ بنابراین، ورزشکاران حرفه‌ای از طریق این شبکه‌های اجتماعی (مجازی) سعی می‌کنند نقش مؤثری در شرایط خاص اپیدمی ایفا کنند که جامعه را درگیر خود کرده است. علاوه بر این، مسئولیت اجتماعی ورزشکاران حرفه‌ای در وضعیت نامساعد اقتصادی-اجتماعی ناشی از پاندمی کوید-۱۹ بسیار پررنگ‌تر شده است و ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی از فرصت سرشناس بودن خود و پذیرش اجتماعی‌شان بهره گرفته‌اند تا این کارکرد اجتماعی‌شان را نشان دهند. در واقع، فعالیت‌های خیرخواهانه و کمک به آسیب‌دیدگان و همچنین رسانه‌ای کردن پویش‌های کمک‌های مردمی از جمله فعالیت‌های انجام شده از سوی ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی است که ناشی از تجربه زیسته‌شان از وضعیت کنونی کشور است. این اقدامات به بازتعریف کارکرد اجتماعی ورزشکاران در جامعه منجر می‌شود و خود این امر مجاری جدید ارتباطی (نظیر شبکه‌های اجتماعی) را برای ورزشکاران فراهم می‌آورد. همان‌گونه که هسو و همکاران بیان می‌کنند، ویدئوهای ورزشی منتشر شده از سوی ورزشکاران حرفه‌ای و کامنت‌های کاربران در شبکه‌های اجتماعی در شرایط خاص نظیر وقوع زلزله، شیوع آنفولانزا و بلایای طبیعی می‌تواند نوعی مسئولیت اجتماعی ورزشکاران باشد (هسو و همکاران، ۲۰۱۸، ۳۷۰). انتشار این ویدئوها، بازانتشار آن‌ها توسط دنبال‌کنندگان و برقراری ارتباطات زنده در شبکه‌های اجتماعی مجازی همگی می‌توانند نقش‌ها و کارکردهای اجتماعی جدیدی را برای ورزشکاران در شرایط نامناسب اپیدمی‌ها در جامعه به وجود آورند.

به صورت کلی برای تشریح نظری و ایجاد سهم نظری در علم مدیریت ورزشی می‌توان از یافته‌های پژوهش حاضر این‌گونه استنباط کرد که تجربه زیسته ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی از پاندمی کوید-۱۹ تغییرات اجتماعی-رفتاری متفاوتی را در آن‌ها ایجاد کرده است. این تغییرات، مناسبات و ارتباطات اجتماعی ورزشکاران حرفه‌ای را تحت تأثیر قرار داده‌اند و ادراکات، معنابخشی‌ها و فرصت‌های جدیدی را برایشان به وجود آورده است؛ بنابراین، می‌توان بیان کرد که در صورت توجه به این معانی و بهره‌گیری از این فرصت‌ها می‌توان تغییرات سیستمی زیادی را در جامعه از سوی ورزشکاران حرفه‌ای ایجاد کرد که این خود به معنی بازتعریف کارکردهای اجتماعی ورزشکاران

حرفه‌ای در شرایط اپیدمی‌ها و فرصت‌یابی در شرایط مبهم برای بازآفرینی نقش ورزشی آنهاست. این خود مؤید این امر است که با توجه به ماهیت چندبعدی ورزش و داشتن ذی‌نفعان متعدد، پدیده‌های خاص نظیر اپیدمی‌ها و پاندمی‌شدن بیماری‌ها می‌توانند تأثیرات منحصربه‌فردی را در عرصه ورزش و زندگی ورزشکاران ایجاد کنند که توجه به آنها و در نظر گرفتنشان از اثرهای نامطلوب آنها خواهد کاست؛ از این رو، می‌توان پیشنهاد داد که ورزشکاران حرفه‌ای در طی کردن مسیر شغلی‌شان به‌عنوان یک ورزشکار بیشتر شرایط ناخواسته و فورس مازور را مدنظر قرار دهند و در قراردادهای کاری‌شان آنها را اعمال کنند. علاوه بر این، در انعقاد قراردادها دقت نظر فراوانی داشته باشند و ساده‌انگاری در تدوین قراردادها را به دلیل کسب منافع آتی کنار بگذارند؛ زیرا، باید درک کنند که زمان ورزش حرفه‌ای‌شان کوتاه و متأثر از حوادث ناخواسته است. همچنین پیشنهاد دیگری که می‌توان براساس یافته‌های این پژوهش ارائه کرد، این است که ورزشکاران دریافته‌اند وضعیت خاصی نظیر پاندمی کوید-۱۹ فرصت تعاملات با خانواده و عرصه اجتماعی را برایشان فراهم کرده است که در گذشته از آن غافل بوده‌اند؛ از این رو، آنها باید در کنار ورزش به سایر ابعاد اجتماعی و شخصی زندگی خود توجه داشته باشند تا بتوانند یک تعادل مطلوب در زندگی اجتماعی و فردی‌شان برقرار کنند. با وجود رعایت چنین تعادلی است که ورزشکاران می‌توانند الگوهای مناسبی برای سایر افراد جامعه باشند.

تقدیر و تشکر

پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند از تمامی کسانی که در اجرای پژوهش مشارکت داشته‌اند، سپاس‌گزاری کنند.

References

1. Baxter, A. J., Scott, K. M., Ferrari, A. J., Norman, R. E., Vos, T., & Whiteford, H. A. (2014). Challenging the myth of an "epidemic" of common mental disorders: trends in the global prevalence of anxiety and depression between 1990 and 2010. *Depression and Anxiety*, 31(6): 506-16.
2. Bults, M., Beaujean, D. J. M. A., Richardus, J. H., & Voeten, H. A. C. M. (2015) Perceptions and behavioral responses of the general public during the 2009 influenza A (H1N1) pandemic: A systematic review. *Disaster Med Public Health Preppareness*, 9: 207-19.
3. DanaeeFard, H., & Kazemi, H. (2010). Interpretative researches on organization: Phenomenology and phenomenography strategies. Tehran: Emam Sadegh University Publication. (Persian).
4. Denzin, N. K., & Lincoln, Y. S. (Eds.). (2018). Handbook of qualitative research (5th ed.). Writing: am method of inquiry, (790-9). Thousand Oaks, CA: Sage.

5. Diekelmann, N.L., Allen, D., & Tanner, C. (1989). The NLN criteria for appraisal of baccalaureate programs: a critical hermeneutic analysis. New York: National League for Nursing Press.
6. Ebadi, H. A. (2010). Application of the phenomenological research method in clinical sciences. *Quarterly of Strategy*, 19(54): 207-24. (Persian).
7. Edwards, A., & Skinner, J. (2009). *Qualitative research in sport management*. Oxford: Butterworth-Heinemann.
8. Foroughi Pour, H., & Sabounchi, R. (2011). Cognitive and psycho-motor development of ethical behavior in national championship sports. *Quarterly Journal of Sport Sciences Research*, 1(2): 85-91. (Persian).
9. Funk, S., Gilad, E., Watkins, C., & Jansen, V. A. A. (2009). The spread of awareness and its impact on epidemic outbreaks. *Proceedings of the National Academy of Sciences of the United States of America*, 106: 6872-7.
10. Gleeson, M. (2007). Immune function in sport and exercise. *Journal of Applied Physiology*, 103(2): 693-9.
11. Handcock, M. S., & Jones, J. H. (2004). Likelihood-based inference for stochastic models of sexual network evolution. *Theoretical Population Biology*, 65: 413-22.
12. Holloway, I., & Wheeler, S. (2002). *Qualitative research for nurses* (2nd ed.). Oxford: Blackwell Science.
13. Hsu, P. F., Fan, Y. C., & Chen, H. (2018). On semantic annotation for sports video highlights by mining user comments from live broadcast social Network. Paper presented at the International Conference on Broadband and Wireless Computing, Communication and Applications, (367-80). Springer: Cham.
14. Hume, J. (2000). The “forgotten” 1918 influenza epidemic and press portrayal of public anxiety. *Journalism & Mass Communication Quarterly*, 77(4): 898-915.
15. Jones, J. H., & Salathe, M. (2009). Early assessment of anxiety and behavioral response to novel swine-origin influenza A (H1N1). *PLoS One*, 4(12): 1-7.
16. Kessler R. C., Chiu, W. T., Demler, O., & Walters, E. E. (2005). Prevalence, severity, and comorbidity of 12-month DSM-IV disorders in the National Comorbidity Survey Replication. *Journal of Archives of General Psychiatry*, 62: 617-27.
17. Kessler, R. C., McGonagle, K. A., Zhao, S., Nelson, C. B., Hughes, M., Eshleman, S., & Kendler, K. S. (1994). Lifetime and 12-month prevalence of DSM-III-R psychiatric disorders in the United States: results from the National Comorbidity Survey. *Archives of general psychiatry*, 51(1): 8-19.
18. Kleynhans, J., Treurnicht, F. K., Cohen, C., Vedan, T., Seleka, M., Maki, L., & Walaza, S. (2019). Outbreak of influenza A in a boarding school in South Africa. *The Pan African Medical Journal*, 33: 32-42.
19. Kyaw Win, S. M., Saito, R., Win, N. C., Lasham, D. J., Kyaw, Y., Lin, N., ..., & Kyaw, L. L. (2020). Epidemic of influenza A (H1N1) pdm09 analyzed by full genome sequences and the first case of oseltamivir-resistant strain in Myanmar 2017. *PloS One*, 15(3): 0229601.
20. Lanagan, J., & Smeaton, A. F. (2011). Using twitter to detect and tag important events in live sport. *Journal of Artificial Intelligence*, 29(2): 542-61.
21. L'Etang, J. (2006). Public relations and sport in promotional culture. *Public Relations Review*, 32(4): 386-94.

22. Naghavi, M., Hosseini, S., RamezaniNezhad, R., & Keshkar, S. (2017). Identification of areas and factors effecting social behaviors shaping among Iranian professional athletes. *Scientific Journal of Organizational Behavior Management in Sport Studies*, 4(4): 21-30. (Persian).
23. Nieswiadomy, R. M. (1998). *Foundation of nursing research* (3rd ed.). USA: Appleton and Lange.
24. Patsourakou, E. (2012). Perceptions about career termination among Greek female elite athletes (Unpublished master's thesis). Loughborough University, Available at: <https://dspace.lboro.ac.uk/2134/6253> (Accessed 11 April 2020).
25. Patton, M. Q. (1990). *Qualitative evaluation and research methods* (2nd ed. Vol. 14). Newbury, CA: Sage.
26. Ramezaninejad, R., Kafi, S., Jahanraad, N., & Reihani, M. (2017). A survey of athletes' stressors in selected Iranian national teams. *Sport Management and Development*, 5(2): 127-45. (Persian).
27. Richter, D., & Berger, K. (2013). Are mental disorders increasing? Update of a systematic review on repeated cross-sectional studies. *Psychiatr Prax*, 40:176-82.
28. Sadati, A. K. B., Lankarani, M. H., & Bagheri Lankarani, K. (2020). Risk society, global vulnerability and fragile resilience: Sociological view on the coronavirus outbreak. *Shiraz E-Medical Journal*, 21(4):102263.
29. Starcevic, V., Portman, M. E., & Beck, A. T. (2012). Generalized anxiety disorder: Between neglect and an epidemic. *The Journal of Nervous and Mental Disease*, 200(8): 664-7.
30. Tam, C. W., Pang, E. P., Lam, L. C., & Chiu, H. F. (2004). Severe acute respiratory syndrome (SARS) in Hong Kong in 2003: Stress and psychological impact among frontline healthcare workers. *Psychological Medicine*, 34: 1197-204.
31. Velasco, J. T. (2019). Civilization and sport in Colombia's drive to modernization. *Journal of Mediterranean Knowledge*, 4(1): 55-77.
32. Wong, T. W., Gao, Y., & Tam, W. W. S. (2007). Anxiety among university students during the SARS epidemic in Hong Kong. *Stress and Health: Journal of the International Society for the Investigation of Stress*, 23(1): 31-5.
33. Yeung, N. C., Lau, J. T., Choi, K. C., & Griffiths, S. (2017). Population responses during the pandemic phase of the influenza A (H1N1) pdm09 Epidemic, Hong Kong, China. *Emerging Infectious Diseases*, 23(5): 813-6.
34. Zaboli, R., & Sanaei Nasab, H. (2014). The challenges and solutions for action of social determinants of health in Iran: A qualitative study. *Journal of Health Education and Health Promotion*, 2(1): 5-16.

استناد به مقاله

نوروزی سید حسینی، رسول. (۱۳۹۹). درک تجربه زیسته ورزشکاران حرفه‌ای ایرانی از پاندمی کوید-۱۹: رویکردی پدیدارشناسانه. مطالعات مدیریت ورزشی، ۱۲ (۶۱)، ۴۰-۲۱۷. شناسه دیجیتال: 10.22089/smrj.2020.8854.3014

Norouzi Seyed Hossini, R. (2020). Understanding Lived Experience of Iranian Professional Athletes from COVID-19 Pandemic (A Phenomenological Approach). Sport Management Studies. 12 (61):217-40. (Persian). DOI: 10.22089/smrj.2020.8854.3014

**Understanding Lived Experience of Iranian Professional Athletes from COVID-19 Pandemic
(A Phenomenological Approach)**

R. Norouzi Seyed Hossini¹

Assistant Professor of Sport Management, faculty of human sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Received: 2020/05/03

Accepted: 2020/07/04

Abstract

Epidemics create a lot of social and behavioral changes in all areas, Sport is no exception. The aim of this study is Understanding Lived Experience of Iranian Professional Athletes from COVID-19 pandemic. The research was carried out by the qualitative method and through a phenomenological approach. The participants were 19 Iranian Professional Athletes that were selected from the purposeful sampling. Through deep and unstructured interviews, data were collected. data were analyzed by using the seven-step Diekelman et al's (1989) approach. According to the data analysis, five categories of meanings were identified about the Lived Experience of Iranian Professional Athletes from the COVID-19 pandemic. They are: a) Mood swings and changes in personal habits, b) Change in lifestyle, c) revision in career, d) find Opportunities for activism, e) redefining the Social-economical functions. These concepts of experience in the life-world of Iranian Professional Athletes from COVID-19 pandemic are Constitutions of their social action. In the case of proper analysis and application, they can be helpful in better managing Professional sport in Epidemics situations.

Keywords: Corona, Epidemic, Lived Experience, Professional Athletes, Social Function.

1. Email: rasool.norouzi@modares.ac.ir